

۹۳/۹/۲۴

• دریافت

۹۴/۹/۱۸

• تأیید

بررسی و تحلیل اشعار تعلیمی سلیمان العیسی در حوزه ادبیات کودک

مهین حاجی زاده*

مایه گوزل بهمن**

محدثه ابهن***

چکیده

ادبیات کودک رویکرد جدیدی است که در سال‌های اخیر بسیاری از نویسندگان و شاعران کشورهای جهان به آن پرداخته‌اند، اینان معتقدند که کودکان به عنوان قشر بنیادی و مهم جامعه، نقش حیاتی در سرنوشت جوامع ایفا می‌کنند. از این رو، بسیاری از ادیبان این گونه‌ی ادبی را، ابزاری برای آماده ساختن کودکان و اجتماعی نمودن آنها برای بر عهده گرفتن نقش‌های اجتماعی در آینده می‌دانند و معتقد هستند که آگاه‌سازی و تربیت درست کودکان، ضامن پیشرفت کشورها خواهد بود. در جهان عرب، بعد از جنگ ژوئن ۱۹۶۷، شاهد فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه ادبیات کودک هستیم. یکی از پیشگامان این حوزه، سلیمان العیسی، شاعر معاصر سوریه است که تمام توان خود را در زمینه آشنا ساختن کودکان به مسائل آموزشی، تربیتی، فرهنگی و ملی به کار می‌گیرد. وی، در به کار بردن کلمات، در اشعار خود، دقت کافی کرده تا از یک سو، گنجینه‌ی لغوی کودک غنی شود و از سوی دیگر، کودکان به واسطه آشنایی با کلمات فصیح، حافظ میراث کهن عربی باشند. واژه، نقش اساسی در زندگی اجتماعی انسان دارد و تجارب نسل‌ها را بر دوش می‌کشد. سلیمان العیسی، معتقد است که دنیای امروز، دنیای آموزش کودکان است، زیرا کلید موفقیت جامعه در دستان کوچک آنان است. در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، سعی شده است با بررسی اشعار سلیمان العیسی در حوزه ادبیات کودک، مضامین و راهکارهایی که وی در زمینه تربیت و آموزش و آگاه‌سازی کودکان به کار گرفته، مورد تحلیل و پژوهش قرار گیرد.

واژگان کلیدی:

ادبیات کودک، سوریه، سلیمان العیسی، آموزش و تربیت.

Hajizadeh_tma@yahoo.com

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
*** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

مقدمه

ادبیات عنصری زنده در جوامع بشری است که علاوه بر نشان دادن فرهنگ و آداب هر ملتی، بستری را برای خلاقیت و رشد افراد آن جامعه فراهم کرده و ارتباط نزدیکی با سرشت افراد برقرار می‌کند که این امر در فرهنگ‌سازی و ارتقای سطح فکری مردم مؤثر است. از آنجا که کودکان گنجینه‌های ارزشمند هر جامعه‌ای به شمار می‌روند، تربیت این قشر به عنوان آینده‌سازان هر ملتی که حافظ میراث و هویت فرهنگی آن ملت هستند، جزء لاینفک هر نظام آموزشی می‌باشد بنابراین یکی از مهم‌ترین و پرارزش‌ترین وسایل و عوامل سودمند در عصر حاضر برای تربیت کودک و نوجوان، ادبیات کودک و نوجوان است.

ادبیات کودک، اصطلاح جدیدی است که تقریباً از پایان جنگ جهانی دوم وضع شده و به تدریج مورد استفاده قرار گرفت و همزمان با پایان یافتن جنگ جهانی و اعلام قانونی به رسمیت شناختن حقوق کودکان از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اصطلاح ادبیات کودک به صورت گسترده‌تر انتشار یافته و همراه با آن ویژگی‌های جدیدی نیز برای اصطلاح ادبیات کودک در نظر گرفته شد ویژگی‌هایی چون؛ توجه به مراحل سنی کودکان، توجه به امیال و خواسته‌های کودکان، احتیاجات، در نظر گرفتن فرهنگ و دایره واژگانی کودکان، تا در با در نظر گرفتن این عوامل، بهتر بتوانند به نیازهای عقلی و عاطفی کودک که با رشد او گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود پاسخ داده باشند (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۲۲). در واقع ادبیات کودک ثمره درک مفهوم کودکی در جهان مدرن است. (جلالی، ۱۳۹۴: ۵۶)

ادبیات کودکان به مجموعه آثار و نوشته‌هایی (کتاب‌ها و مقالات) گفته می‌شود که به وسیله نویسندگان متخصص برای مطالعه آزاد کودکان تهیه می‌شود و در همه آنها ذوق و سطح و رشد و نضج کودکان مورد توجه است (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲: ۲۹). این نوع ادبیات به ایجاد خلاقیت و ابتکار در کودکان و آموزش بهتر آنها در زمینه‌های مختلف و ارتقاء سطح تعالیشان می‌پردازد. اطمینان به اهمیت

این نوع ادبیات، باید در بالاترین جای ذهن مان قرار گیرد و این، نه فقط به خاطر سود کودکانی است که این آثار را می‌خوانند، بلکه به خاطر بقای فرهنگی است که در آن زندگی می‌کنیم (کینگزبری، ۱۳۷۲: ۸۵)؛ بنابراین می‌توان گفت، ادبیات کودک بیانگر مسائل مربوط به زندگی است که مباحث و موضوعات آن این امکان را به کودک می‌دهد که خود را به طور غیرمستقیم برای مواجهه با مسائل زندگی آماده کند.

تعیین تاریخ دقیق ادبیات کودکان به معنای اعم آن چندان کار ساده‌ای نیست، زیرا توجه به آموزش و پرورش کودک و اهمیت دوران کودکی در زندگی بزرگسالی از زمان‌های بس قدیم مورد توجه بوده است (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲: ۳۲). ادبیات کودکان پدیده‌ای اجتماعی است که روند رشد آن در طول تاریخ با تحول دوران کودکی و نگرش به کودک، پیوندی ناگسستنی دارد (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۳۹). اگر بگوییم ادبیات کودکان، سرچشمه در فولکلور و فرهنگ عامه دارد و به کهنسالی زندگی بشر بر روی زمین است خلاف نگفته‌ایم (ملکیان، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

در حوزه شعر می‌توان اشاره کرد که، اهمیت شعر مخصوص کودکان از اواخر قرن ۱۷م در اروپا پدیدار گشت و به ویژه در فرانسه و بعد از ظهور آراء ژان ژاک روسو و انتشار داستان‌های هزار و یک شب عربی قوام یافت (عیسی، ۲۰۰۷: ۲۴). در اروپا کسانی چون چارلز و لافونتین در زمینه تألیف برای کودکان موفق بوده‌اند و در جهان عرب نیز احمد شوقی زمینه پیشرفت شعر کودکان را مهیا کرده است به ویژه اینکه وی، اشعار خود را به زبان حیوانات سروده که این شیوه تا به امروز مورد توجه نظام تربیتی عرب واقع شده است (همان: ۹)؛ بنابراین در جهان عرب اولین ملتی که به ادبیات کودک پرداخته مصری‌ها می‌باشد و ساکنان عربستان و عراق و شام از آنها فرا گرفتند و آن را در ادبیات خود به کار بردند. (صبیح، ۲۰۰۱: ۹)

اولین آثار ادبی که در دوره معاصر برای کودکان عربی نوشته شد به صورت ترجمه، اقتباس و در قالب آموزش و به دور از واقعیت دنیای معاصر بود. این آثار

توسط پیشگامانی چون کامل کیلانی، محمد الهراوی، احمد شوقی و محمد عثمان جلال تالیف شد. اما در چند دهه اخیر و به طور تقریبی می‌توان گفت از سال ۱۹۶۷م آثار ادبی برای کودکان عرب، با اهتمام نویسندگان و شاعران بزرگ عرب به آن، مانند زکریا تامر، عبدالنواب یوسف، سلیمان العیسی و ... رو به ترقی و پیشرفت نهاد (نظام دوست، ۱۳۹۰: ۵). در دوره معاصر در سوریه شاهد حرکت‌های چشمگیری در عرصه ادبیات کودک هستیم که به صورت گسترده به انجام پژوهش‌های مختلف در این زمینه می‌پردازند.

به طور کلی در زمینه پیشینه پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. مقاله‌ای تحت عنوان «مضامین شعر الاطفال عند سلیمان العیسی» که در سال ۲۰۰۸ توسط محمد عزام به رشته تحریر درآمده است.
 ۲. مجموعه پژوهش‌هایی با عنوان «قراءه فی دیوان الأطفال للشاعر سلیمان العیسی» توسط غسان کلاس انجام شده است که در تاریخ ۲۰۱۲ در سایت www.maryfi.com بارگزاری شده است.
 ۳. رساله‌ای تحت عنوان «شرح و بررسی اشعار سلیمان العیسی با تکیه بر مضمون و موسیقی» توسط رسول دشتیان در دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۹ در مقطع کارشناسی ارشد دفاع شده است که در بخشی از آن به ادبیات کودک در اشعار سلیمان العیسی پرداخته شده و علل و عوامل روی آوردن شاعر به این موضوع و چگونگی آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.
 ۴. پایان‌نامه‌ای با عنوان «ادبیات کودک در ادبیات معاصر عربی» به سال ۱۳۹۰ در مقطع کارشناسی ارشد توسط اکرم نظام دوست در دانشگاه فردوسی مشهد نگاشته و دفاع شده است که نگارنده در بخشی از این پایان‌نامه به ادبیات کودک در شعر سلیمان العیسی پرداخته و از او به عنوان نوآوران ادبیات کودک در ادبیات معاصر عرب اشاره کرده است.
- اما آن چه حائز اهمیت می‌باشد این است که در این پژوهش‌ها به طور جداگانه

به ادبیات تعلیمی در اشعار سلیمان العیسی پرداخته نشده است و مضامین در قالب کلی بررسی شده است که در این مقاله سعی شده است این بخش به صورت دقیق مورد بررسی قرار گیرد.

در حوزه ادبیات کودک، سلیمان العیسی از جمله شاعران معاصر سوری است که در اشعارش سعی بر آن دارد مضامینی چون وطن، وحدت عرب، روح عربیت، فلسطین را در قالب تخیل و دنیای کودکانه جای دهد و از این طریق، این نوع ادبی را در خدمت پرورش کودک به کار گیرد و در اشعارش به دنبال آن است که تکاپوی کودکان برای تلاش و دستیابی به آینده را به نمایش درآورد.

یکی از بهترین راه‌هایی که می‌توانیم نگرهبان ادبیات کودکان باشیم این است که به نقد و بررسی آن پرداخته و آن را بسط و توسعه دهیم و در این راه بر گسترش هر چه بیشتر این پژوهش‌ها تشویق کنیم.

اهمیت ادبیات کودک

زبان که تجارب نسل‌های آدمی و یا به مفهوم کلی‌تر، بشر را در برمی‌گیرد، از همان نخستین ماه‌های زندگی کودک در رشد و تکامل او دخالت دارد. شخص بزرگسال با ذکر اسامی اشیاء و با ارائه اشیاء و با ارائه تعاریف پیوندها و رابطه‌ها صور جدید، بازتاب واقعیت را در ذهن کودک ایجاد می‌کند و این صور در مقایسه با صوری که کودک از راه تجربه شخصی به دست می‌آورد، به مراتب عمیق‌تر و پیچیده‌تر هستند (لوریا، ۱۳۶۸: ۴۸).

ادبیات در زمان حال، خاستگاه جهشی بلند و تمدنی بزرگی است که تمامی ملل با توجه به اسلوب و وسایل خود سعی بر آن دارند تا بر جهان معاصر از طریق این ادبیات نو پای ریشه‌دار سیطره یابند (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۱) سعی می‌کنند تا این ادبیات وسیله‌ای برای سوق دادن مردان آینده آن سرزمین به سمت رشد و بالندگی، عشق، دوستی، فداکاری و ایثار باشد و نیز می‌کوشند تا ادبشان با

رویکردی به سمت کودکان و جوانان جهان، نمونه گرایش قدرتمند برای نشر ادبیات، فلسفه، تمدن و اهدافشان بر تمامی جهان باشد، جهانی که کودکان ۴۰ درصد ساکنان آن را تشکیل می‌دهند و به طور طبیعی ادبیاتی که برای این طیف وسیع نگاشته می‌شود دنیای این کودکان را به نمایش می‌کشد. (همان: ۱۲)

از سوی دیگر، ساخت و نظام طبیعی انسان به گونه‌ای است که تربیت یا آموزش و پرورش او را در تمام دوران زندگی ضروری می‌نماید به بیان دیگر، انسان پیوسته در حال تغییر و تکامل است و نمی‌توان او را از محیطی که در آن زندگی می‌کند و بر رفتار او تاثیر می‌گذارد و خصوصیات انسان را دستخوش تغییر و تحول قرار می‌دهد، جدا انگاشت؛ از این رو، با توجه به روابط متقابل و سازنده با محیط، موفقیت او در صورتی ممکن می‌شود که بتواند رفتار موجود را تغییر داده و به وضع مطلوب درآورد. از جمله وسایل آموزش و پرورش غیرمستقیم کودکان «ادبیات کودکان» است که امروز بیش از هر زمان دیگر مورد توجه مریبان است و کشورهایی که به ارزش وجودی انسان آگاه هستند و بر ضرورت تربیت مداوم به ویژه در دوران کودکی و نوجوانی اعتقاد راسخی دارند، فعالیت‌های چشمگیری در زمینه گسترش ادبیات کودکان و نوجوانان انجام می‌دهند. ادبیات کودک در تکوین شخصیت کودکان و در آماده‌سازی آنها برای ساختن جامعه‌ای پویا و اداره کردن هرچه بهتر آن اثر مثبت می‌گذارد تا این کودکان در آینده‌ای نزدیک در زندگی فردی و اجتماعی پیشگام باشند.

باید گفت شعر در تکوین کودکان و تربیت آنها نقش بسزایی ایفا کرده و آنها را با حقایق و مفاهیم مختلف آشنا می‌سازد و آنها را به دانش وسیع و معلومات مختلف مجهز می‌سازد و این علاقه به شعر در کودکان ملکه ابداع را می‌آفریند و با آشنا کردن کودک با الفاظ، واژه‌ها و ترکیب‌های گوناگون و جدید در اثنای این فرآیند گنجینه لغوی و احساسات کودک را رشد داده و بر رشد ذوق ادبی آنها اثر گذاشته و بر رشد عقلی کودک و همراه‌سازی او با فرهنگ جامعه و مطابقت دادن

او با ارزش‌های جامعه کمک شایانی می‌نماید. (همان: ۵۲)

ادبیات کودک عرب، ابزار بسیار مهمی برای دعوت به ارزش‌های اصیل و ریشه‌دار عرب است که به مبانی والای اسلامی، محبت، همکاری، اخلاص، مشارکت در کار، توجه شایانی داشته و بر کنار گذاشتن اختلافات و جنگ‌ها دعوت و به فراگیری علم و به دست آوردن مجد گذشته عرب فرا می‌خواند.

تعریف و ویژگی شعر کودک

سرودهای کودکان، یکی از انواع ادبیات هست که ابعاد مختلف زندگی را به تصویر می‌کشد و از عواطف والای انسانی سخن می‌گوید و به شرح و بیان حیات اجتماعی در قالب‌های کودکانه می‌پردازد و در اسلوبی گیرا راه‌هایی را برای رسیدن به نمونه‌های والای انسانی ترسیم می‌کند به گونه‌ای که بتواند بر درون آنها تأثیر گذاشته و در اعماق جان آنها نفوذ کند. (همان: ۵۲)

شعر کودک کلامی است موزون و زیبا، چه از حیث ترکیب اصوات و کلمات، چه از حیث مضمون (در مورد اشعار بی‌معنی، زیبایی ترکیب اصوات و کلمات کافی است) اما در مورد اشعار دیگر باید دو عامل زیبایی در آنها وجود داشته باشد. شعر کودک بر پایه موسیقی اصوات و کلمات بنا می‌شود و وسیله‌ای است برای بازی حرکت و آواز او. (یمینی شریف، ۱۳۷۲: ۱۵۵)

ساختمان واژگانی شعر کودک مبتنی بر الفاظ آسان و سهل و فصیح است که با واژگان لغوی کودک منطبق بوده و از خیال شفاف غیر مرکب، برای درک ملموس مفاهیم یاری می‌جوید و مضامین آن هدف‌دار، متنوع و در اسلوب‌هایی مطابق با گویندگان آنها ارائه می‌شوند که گرایش این نوع اشعار در خدمت اندیشه و ادراک کودک قرار می‌گیرد تا کودک، متن ادبی را درک کرده و موجب برانگیختن ذوق و علاقه در او شود و در نتیجه آن با خیال خویش آفاق و نتایج آن را کشف نماید.

(عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۲۳)

- از جمله موضوع‌های مهم در ادبیات کودکان، شعر است که بیشتر دوست دارند و یادگیری و حفظ کردن آن برای ایشان آسان و مطلوب است به شرط اینکه:
- موضوع آن مانند سایر موضوع‌های مربوط به کودکان، قابل درک و مورد علاقه کودکان باشد تا بتواند به گسترش افق ذهنی و احساساتی ایشان کمک کند؛
- عباراتش روان و عاری از استعاره‌ها و کنایه‌ها باشد؛
- دارای وزن و قافیه و آهنگ باشد؛
- به آموزش مستقیم نپردازد که معمولاً مورد علاقه کودکان نیست؛
- کنجکاوی و تفکر کودکان را برانگیزد و به گسترش و تکامل فکری ایشان کمک کند (شعاری نژاد، ۱۳۷۲: ۱۱۶)

نقش ادبیات کودک در جهان عرب

- بسیاری از ادبا و منتقدان معاصر عرب بر این باورند که ادبیات کودک باید اصول و قوانین خاصی را رعایت کند تا بتواند وظیفه اصلی خود را که تلاش برای ارتقا سطح کودکان است به بهترین شکل ممکن انجام دهد. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- ادبیات کودک باید در آماده سازی مثبت کودک در جامعه سهیم باشد به گونه‌ای که کودک جایگاه خود را پیدا نماید و راهش را بشکافد و نقشش را بشناسد و آماده پذیرفتن مسئولیت‌های اجتماعی شود؛
 - ادبیات کودک باید تعهد به نظام و پیروی از ارزش‌های رفتاری مبتنی بر عشق و دوستی و عدالت و برابری و خیر برای همگان را، در نهاد کودکان تقویت کند؛
 - ادبیات کودک باید روح تضامن و همکاری در کودکان ایجاد کند تا جای کینه و زشتی را درون آنها بگیرد چرا که همکاری، کلید پیشرفت جامعه و رفاه آن است؛
 - ادبیات کودک باید در درون کودک، موهبت‌هایی که خداوند در وجود او به ودیعه گذاشته و استعدادهايش را بیدار کند و در او میل به بلندپروازی را تقویت نموده و

زمینه علاقمندی او به مطالعه و یادگیری را ایجاد کرده و این رفتار او را تداوم بخشد؛

- ادبیات کودک باید به زبان عربی فصیح نوشته شود، تا دایره واژگانی و لغوی کودک را وسعت بخشد و گنجینه لغوی ارزشمندی در او ایجاد کند؛

- ادبیات کودک باید به گونه‌ای باشد که به جای تکیه بر سنت‌های کورکورانه گذشته، درهای اندیشه و ابتکار را به روی کودکان عرب بگشاید و معلومات مقدماتی کودکان باید معلوماتی باشد که آنها را به سمت و سوی تفکر سوق دهد؛

- ادبیات کودک باید به زبانی نوشته شود که هم سطح آنها باشد به طوری که از آن لذت ببرند و بدون هیچ سختی آن را بفهمند؛

- ادبیات کودک باید در کودک عرب حس عزت نسبت به داشته‌هایش، افتخار به عرب بودن و تفاخر به امت و دینش را تقویت نموده و او را برای ساختن وطنش

و شناختن ارزش‌های انسانی و تمدنی جاویدان امت اسلامی - عربی، آماده سازد؛

- ادبیات کودک با آن اسلوب و مفاهیم و سبک خاص خود باید به گونه‌ای باشد که از طریق شناساندن بخش‌های درخشان و مثبت تاریخ امت توانمند عرب، کودک را برآن دارد تا برای برانگیختن میراث عربی- اسلامی خود به پا خواسته و در تحقق این امر از انجام هیچ تلاشی دریغ نوزند. (دیاب، ۱۹۹۵: ۳۵-۳۶)

سلیمان العیسی

سلیمان العیسی به سال ۱۹۲۱ در روستای نعیریه، واقع در غرب شهر تاریخی انطاکیه متولد شد. دروس اولیه را نزد پدرش احمد العیسی در روستا فرا گرفت. او قرآن کریم و همچنین مملقات و دیوان متنبی را حفظ کرد و در ۹ یا ۱۰ سالگی شعر سرودن را آغاز کرد و اولین دیوانش را در روستا نوشت که در آن از هم و غم کشاورزان و بدبختی‌های آنها سخن می‌گفت. او با وجود آن که در کلاس پنجم یا ششم ابتدایی بود، با قصیده‌های ملی- میهنی‌اش در تظاهرات و درگیری‌ها

شرکت می‌کرد. سپس به سوریه رفت تا با دوستانش در حرکات ضد فرانسه شرکت نماید. او در این دوره است که با سختی‌هایی که آوارگی در پی داشت روبه‌رو می‌شود و ارزش مبارزه در راه امت عربی و وحدت و آزادی آن را به درستی درک می‌کند. وی، به خاطر قصائد و جایگاه قومی‌اش به زندان افتاد. سلیمان العیسی، در تاسیس حزب «البعث» از همان آغاز مشارکت کرد و تحصیلات عالی‌اش را در دارالمعلمین عالی بغداد به اتمام رساند. از بغداد بازگشت و به عنوان مدرس زبان و ادبیات عرب تعیین شد. او از موسسان «اتحاد الكتاب العرب» در سوریه به سال ۱۹۶۹ است. وی در کنار زبان عربی، فرانسه، انگلیسی و ترکی را نیکو می‌دانست (عبشی، ۲۰۰۵: ۲۷۰). با همسر و دوستانش به ترجمه زیباترین قصه‌ها و نمایشنامه‌ها از ادبیات کودک جهان می‌پرداخت. وی در سال ۱۹۸۷ به جایزه «لوتس» شعر از سوی اتحاد نویسندگان آسیا دست یافت و در سال ۲۰۰۰ به جایزه ابداع شعری از موسسه «الباطین» نائل شد. (همان: ۲۷۱)

سلیمان العیسی، شاعر سوری بعد از شکست جنگ ۱۹۶۷ به نوشتن شعر برای کودکان روی آورد و چندین دفتر شعری برای کودکان چاپ کرد که از جمله آنها *غناویها الصغار، و المتنبی و الصغار* است. (دیاب، ۱۹۹۵: ۳۴-۳۵)

مهم‌ترین کارهای شعری سلیمان العیسی عبارتند از: *الاعمال الشعرية؛ علی طریق العمر؛ الثمالات؛ الديوان الضاحک؛ باقة نثر؛ دیوان الیمن؛ دیوان الجزایر؛ المرأة فی شعری؛ موجز دیوان المتنبی؛ حب و بطولة. مهم‌ترین تألیفات او برای کودکان عبارتند از: دیوان الاطفال؛ اغانی الحکایات؛ مسرحیات غنائیة للاطفال؛ قصص الاطفال المعربة. (عبشی، ۲۰۰۵: ۲۷۲)*

تحلیل اشعار سلیمان العیسی

سلیمان العیسی شاعر معاصر سوری، یکی از بارزترین شاعران در حوزه ادبیات کودک است که بعد از واقعه شکست ژوئن ۱۹۶۷ به طور جدی به شعر کودک

پرداخته است. وی با کلمات آسان و نغمه‌های اصیل خویش که به طور مستقیم بیانگر الهامات مملو از ارزش‌هاست، می‌کوشد تا ادبیات زیبایی را برای کودک عربی از خلال اشعارش فراهم سازد. بر همین اساس او با الفاظ بازی نمی‌کند بلکه معانی را در چهارچوبی سهل و ممتنع‌گونه بیان می‌کند. وی برای بیان اهداف خود مضامین خاصی را مورد توجه خود قرار داده است که در این مقاله به صورت دقیق به این مباحث پرداخته می‌شود:

اهداف آموزشی

أَلِفٌ بَاءٌ تَاءٌ ثَاءٌ / هَيَّا نَقْرًا يَا هَيْفَاءُ / أَلِفٌ أُبْنِي / بَاءٌ بَلَدِي / بِيْدِي بِيْدِي / أُبْنِي بَلَدِي / تَاءٌ / تَعْدُو / نَحْوِي / دَعْدُ / قَالَتْ: مَاذَا يَأْتِي بَعْدُ؟ / ... / آخِرُ حَرْفٍ / يُدْعَى الْيَاءُ / قَوْلِي مَعَنَا / يَا عَلِيَاءُ: / يَحْيَا الْوَطْنَ / نَحْنُ الْوَطْنُ. (العیسی، ۱۹۹۶: ۱۰)

سلیمان العیسی در قصیده خود با عنوان «حروفنا الجمیله» در اثنای آموزش حروف الفبای عربی به کودکان، که اولین قدم در آموزش و یادگیری کودکان است، سعی می‌کند روح وطن‌دوستی و ملی‌گرایی را در وجود آنان پرورش دهد. شاعر با به کار بردن عباراتی کوتاه و موسیقی منسجم در بین عبارات تبحر خود را در القاء معانی مورد نظرش به کودکان نشان می‌دهد. وی به درستی می‌داند که دنیای کودکان با موسیقی سرشته شده است و عبارات آهنگین، معانی خود را بهتر در ذهن کودک جای می‌دهد. بر این اساس در این قطعه مشاهده می‌شود، سلیمان العیسی از موضوعی ساده یعنی الفبا در صدد جای دادن مفاهیم عمیقی چون سازندگی کشور، ایجاد حس توانمند بودن کودک در ساختن کشور و آبادانی آن، استفاده می‌کند که می‌توان این مفاهیم را به وضوح در عبارات «بیدی بیدی، اُبنی بلدی» و «یحیا الوطن» دید و استنباط نمود. شاعر با استفاده از افعال مضارع مفاهیم سازندگی و آبادانی و توانمندسازی کودک در این امور را در اذهان استمرار و تداوم می‌بخشد. وی با عبارت «نحن الوطن» می‌کوشد نزدیکی عمیق و

جدایی‌ناپذیر بین کودک و وطن را بیان کند؛ این که وطن چیزی نیست جز کودکان که آینده‌سازان و امید هر سرزمینی هستند.

توجه به میراث کهن عرب

شعر معاصر عربی، طی یک قرن گذشته، دستخوش تغییر و دگرگونی‌های اساسی شده است و استفاده از میراث گذشته، به آن رنگی نو بخشیده است. این گرایش که جانی تازه در شعر معاصر دمیده، هم ارزش محتوایی آن را افزایش داده و هم به جنبه هنری و زیبایی آن تعالی بخشیده است. علاوه بر آن، این توان را به شاعر داده است که با استفاده از میراث گذشته، افکار و اندیشه‌های خود را به خوبی و در قالبی نمادین بیان کند؛ حقایقی که پیش از آن، اشاره صریح به بسیاری از آنها، با توجه به فضای استبدادی حاکم بر کشورهای عربی، برای شعرا غیرممکن بوده است.

وسلیمان العیسی، از این میراث برای آموزش و پرورش روح ملی‌گرایی در کودک مدد می‌گیرد:

أَتَعَلَّمُ ... ماذا أتعلّم؟ / أتعلّمُ أُنّی مِنْ وَطَنِ / يتسلّقُ أسوارَ الزّمن / يمتدُّ بعيداً فی الماضي / يمتدُّ بعيداً فی الحاضر / لكنّ خربطتکَ الکُبّری / تتمزّق، تبکی، یا وطنی / أتعلّم ... ماذا أتعلّم؟ / أتعلّمُ أُنّی عربی / و لنا تاریخُ ازلی / تاریخُ غطّی المعمورة / بیطولات کالأسطورة / لکنّی طفلٌ محرومٌ / یا کنز العالمِ یا وطنی / أنا طفلٌ یا وطنَ الشمسِ / سیظلُّ علی شفّتی درسی / و غداً اکبرٌ / حلمی یکبرٌ / و أمداً خربطتکَ الکُبّری / حباً و حدائق یا وطنی. (همان: ۲۰)

شعر وسیله‌ای برای رشد کودک و تکوین گرایش‌ها و ارزش‌ها و نمونه‌های والای اوست. این قصیده که از زبان خود کودک بیان شده است، روح ملی‌گرایی او را به تصویر می‌کشد. کودکی که از وطن و اصالت خود سخن گفته و تجربیات شخصی خود را بیان می‌کند. او یاد می‌گیرد و در این اثنا از خود می‌پرسد که چه

چیزی می‌آموزد و سلیمان العیسی با این سبک می‌خواهد آن تصویری که کودک در ذهن خود دارد را تثبیت کند. کودک با بیان «أَتَعْلَمُ أُنَى مِنْ وَطَنِ» تأکید می‌کند که متعلق به وطنی است که در گذشته و حاضر گسترده شده است. او تصریح می‌کند که کشور وسیعش دیگر آن گستردگی سابق را نداشته و به بخش‌های مختلفی تقسیم شده است. دوباره سوال خود را تکرار می‌کند و این بار از اصالت عربی خود و میراث غنی عرب که ریشه در گذشته‌های دور دارد، سخن می‌گوید و به میراث گذشته خود که جهان را تحت سیطره خود دارد و میراثی که قهرمانان اسطوره‌ای را پرورش می‌دهد، می‌بالد. سلیمان العیسی با اشاره به گذشته درخشان عرب قصد دارد تصویر روشنی از میراث کهن عربی را در ذهن کودک ترسیم نماید تا کودکان عرب به آینده‌ای درخشان‌تر از گذشته خویش بیندیشند و دیدگاه روشنی از گذشته و اصالت خویش داشته باشند. حال کودک با آگاهی از میراث کهن خود قد علم کرده و می‌گوید: «أنا طفل» من کودک هستم ای سرزمین آفتاب، کودکی که آمال و آرزوهای بزرگی را در سر دارد و آینده خویش را ترسیم می‌کند آن زمان که بزرگ می‌شود و در تحقق اهداف خود تلاش می‌کند. در این قصیده کودک عربی، اندیشه و تفکری والا دارد که به عنوان توشه راه خود، آن را با خود حمل می‌کند و همچون گنج کوچکی است که گسترده می‌شود. سلیمان العیسی قصد دارد، نسل شکوفای عرب در عین آن که حافظ میراث خویش و پاسدار هویت عربی باشند در آن واحد برای پیشرفت جامعه عرب نیز گام بردارند.

شاعر در ادامه می‌گوید:

هَذَا صَفَى / هَذِي كُنْبِي / تُشْرِقُ فِيهَا / شَمْسُ الْعَرَبِ / أَهْلًا أَهْلًا / يَا مَدْرَسَتِي
 / هَيَّا نَقْرًا / أَحْلَى لَغَةٍ / تَكْبُرُ مَعَهَا / تَحْلُو مَعَهَا / لَغَتِي الْفَصْحَى / مَا أَرَوْعَهَا / لَغَتِي
 شَجْرَةٌ / تَنْمُو أِبْدًا / أَنَا أَتَلُوهَا / لِحْنًا غَرْدًا / لَغَتِي عِلْمٌ / لَغَتِي شَعْرٌ / مِنْهَا السِّيفُ / وَ
 مِنْهَا الْعَطْرُ / يَا شَلَالَ الزَّمَنِ الْآتِي / مِثْلَكَ لَغَتِي نَبْضُ حَيَاةٍ. (همان، ۲۱)

امروزه در روانشناسی علمی، معلوم شده است که زبان، واقعیتی عینی است که

مستقیماً در شکل‌گیری فعالیت‌های پیچیده انسان اثر می‌گذارد (لوریا، ۱۳۶۸: ۱۸۴). سلیمان العیسی در این قصیده به توصیف زبان عربی می‌پردازد و ارزش زبان را در کاشتن بذر محبت و دوست داشتن زبان ملی عربی خود می‌داند که این نشانه‌ای از رمز استقلال در هر سرزمینی است. شاعر در این قصیده برای بیان ارزش زبان از تجربه‌های حسی و طبیعت استمداد جسته است تا تصویر به شکل کاملاً واضح در ذهن کودک شکل گیرد. او از ضمیر متکلم، جهت تقویت حس مالکیت کودک نسبت به زبان استفاده کرده و به صورت مکرر واژه «لغتی» را تکرار کرده تا مالکیت او بر این زبان تثبیت شود.

سلیمان العیسی بر آموزش زبان فصیح تأکید می‌کند و معتقد است که «زبان عربی فصیح و زیبا، شخصیت ملی کودک را می‌سازد و تفکر سالم را به کودک عربی می‌بخشد» (همان: ۵).

دعوت به اتحاد

تعاون و همکاری از ملزومات یک زندگی هدفمند و مسئولانه در اجتماع است که می‌تواند به ارتقای سطح فرهنگ جامعه و تعالی کشور در همه زمینه‌ها منجر شود و سلیمان العیسی از این مهم، غافل نبوده است:

النورُ للجمیع / الحبُّ للجمیع / و أرضنا السمرَاءُ / و الخیر و العطاء / لا بدَّ أن
 یكونَ للجمیع / ترائنا ذهبٌ / و عزمنا لهبٌ / نبنی به البلادَ / نواصلُ الجهادَ /
 لوحدة العربِ / لأمة العربِ / من زهرة بعینها / لا یصنع الربیعُ / ساندی تساندی /
 یا وحدة السواعد / غلالنا الخضراءُ / و الخیر و العطاء / لا بدَّ أن یكونَ للجمیع
 (همان: ۱۲).

در این قصیده، شاعر به خوبی فضایی از وحدت و همکاری و تعاون را به تصویر می‌کشد. رویکرد تربیتی که در این قصیده وجود دارد کودکان را به مشارکت و سهیم کردن دیگران در مسائل و مفاهیمی چون عشق، بخشش و

سرزمین دعوت می‌کند. روح تعاون که از عوامل مهم تداوم کشورها است و باعث وحدت و یکپارچگی هرچه بیشتر ملت می‌شود، یکی از عناصر مهم در شعر کودک است و شاعر با عبارت «من زهرة بعینها لا یصنع الربیع» با یک گل بهار نمی‌شود، نتیجه عدم همکاری مردم در امور کشور را نشان می‌دهد.

شاعر در ابیات زیر فلسطین را چنین توصیف می‌کند:

فلسطینُ داری / و دربُ انتصاری / تَظَلُّ بلادی / هویُّ فی فؤادی / و لحناً أیباً /
 علی شفتیا / وجوهُ غریبةُ / بأرضی السلیبةُ / تبیع ثماری / تحتلُّ داری / و أعرَفُ /
 دربی / و یرجعُ شَعبی / إلی بیتِ جَدّی / إلی دفءِ مَهْدی / فلسطینُ داری / و /
 دربُ انتصاری (همان: ۱۱).

در این قصیده شاعر سوری، به توصیف فلسطین می‌پردازد و کودکان را با اوضاع و احوال کشور همسایه خود آشنا می‌کند و روح انسان دوستی و همدردی با انسان‌های دیگر را در نهاد کودک می‌پرورد و با عبارت «فلسطینُ داری» فلسطین خانه من است، آن احساس نزدیکی را در کودک ایجاد می‌کند زیرا خانه برای او ملموس است و کودک در خانه، احساس آرامش و مالکیت دارد. بنابراین این تفکر که فلسطین، سرزمین همه بچه‌های عرب است در او شکل می‌گیرد و احساس مسولیت در قبال این سرزمین در وجود کودک نهادینه می‌شود و عشق به سرزمین‌های عربی پرورش می‌یابد. شاعر با ذکر «وجوه غریبة» تفاوت ظاهری که بین عرب‌ها و استعمارگران وجود دارد و کودک به آسانی می‌تواند آن را درک کند. همچنین به واقعیت کارهای استعمارگران و چپاول محصولات و دستاوردهای آنها آگاه ساخته و روح مقاومت در برابر چنین بی‌عدالتی را در درون کودک شکل می‌هد. کودک اذعان می‌دارد من مسیرم را می‌شناسم و ملت من، دوباره به اصالت و به کانون گرم خانواده‌اش برمی‌گردد. در این عبارت می‌توان روح وحدت و یکپارچگی عرب و حس همدردی را مشاهده نمود.

آگینا بارتو یکی از شاعران شوروی سابق می‌گوید: «اگر چه صلح آرزوی قلبی

همه بچه‌هاست و در ذهن اطفال کشور، جنگ فقط خاطره‌ای است مربوط به گذشته، ولی وظیفه شاعران است که ذهن خردسالان را با احساس همدردی نسبت به کودکانی که در بدبختی و رنج به سر می‌برند، آشنا سازند» (یمینی شریف، ۱۳۷۲: ۲۰۸).

دعوت به تلاش و کوشش

انسان به طور طبیعی و سرشت خدادادیش نیازمند تلاش و کوشش است و از طریق همین کار و کوشش می‌آموزد، دانسته‌ها و توان خود را به بوت‌آزمایش می‌گذارد، از موفقیت‌هایش خشنود شده و از شکست‌هایش درس می‌گیرد. حال اگر مفاهیم کار و تلاش از همان اوان کودکی در کودک نهادینه شود کودک یاد می‌گیرد که در زمان روبه‌رو شدن با یک کار سخت، پافشاری بیشتری در انجام آن از خود نشان دهد و به شکست به دید یک گام به سوی موفقیت نگاه کند. در ادامه سلیمان العیسی برای دعوت کودکان به تلاش و دوری از تنبلی این گونه می‌گوید:

من این یأتینا الكسل؟ / مثل الخلیة بیئتنا / عمل و دأب بیئتنا / من این یأتینا الكسل؟ / امی تَفِیقُ مع الندی / و تشبِعُ فی البیت الحیاةَ / و اَبی کفاحُ دائبُ / غادِ اِلی عملٍ و آتٍ / اهُوَى القراءَةَ، اِنَّمَا / اهُوَى مع الکتبِ الحدیقةَ / کم غَرَسَتْ بیدی غَرَسْتُ / بأرضیها ... انا و شقیقة / اِنَّا نُجَرَّبُ / فی یدینا / کلُّ شَیْءٍ نَصْنَعُ / و یكونُ حَتَّى لَعْبُنَا / لعباً یفیدُ و یمنعُ / مجدُّ الحیاةِ هو العملُ (العیسی، ۱۹۹۶: ۳۹).

در شعر کودکان باید بر معانی حسی تکیه کرد چرا که حواس کودک ابزار شناخت و رشد او هستند و دریچه‌های نوینی را پیش روی او می‌گشاید. بر این اساس، نباید از محیط پیرامونی او چندان دور باشد و اشعار باید در سطح درک او باشند و سطح رشد زبانی و عقلی کودک را رعایت کنند (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۵۳-۵۴).

با توجه به این نکات، سلیمان العیسی در این قصیده فضایی از کار و کوشش را

ترسیم کرده است و از تصاویری ملموس که کودک همه روزه شاهد آن است، استفاده می‌کند. مادری که همراه با شبنم صبحگاهی، زندگی را در خانه آنها جاری می‌سازد و پدری که برای تامین معاش خانواده در بیرون کار می‌کند و کودکانی که با دستان خود سعی می‌کنند بسازند و بازی‌های کودکانه‌شان مملو از این ساختن و خوشحالی ناشی از این کارهای مفید است. کودک، شاهد تلاش‌های بی‌وقفه مادرش در خانه و کار و تلاش خستگی‌ناپذیر پدرش در بیرون از خانه است که هر دو برای فراهم کردن یک زندگی سالم تلاش می‌کنند؛ بنابراین، الگوی کار به عنوان یک عمل مقدس در ذهن کودک شکل می‌گیرد. کودک می‌آموزد چگونه همراه با تعلیم، کار کند و در این مسیر با دیگران همکاری نماید و تجربه‌های شخصی در جهت تولید و نوآوری به دست می‌آورد و به این مفهوم مقدس، که مجد و عظمت هر ملتی در طول روزگاران در کار و تلاش است، دست می‌یابد.

کاربست عناصر داستانی در شعر سلیمان العیسی

عناصر قصه و حکایت در شعر، علاقه کودکان را جلب می‌کند. شعرهای داستانی با مضمون قصه و حکایت برای هر سن و سالی جالب است.

شیوه نگارش در ادبیات کودکان از اهمیت زیادی برخوردار است. برای این که بتوان کودکان را به ادبیات علاقه‌مند کرد لازم است شخصیت‌هایی برای آنها خلق شوند که بتوانند با او رابطه برقرار کنند. این توانایی از طریق شناخت کودکان صورت می‌پذیرد (روؤف، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۷).

سلیمان العیسی کسی است که با مهارت در فن شعر و ادبیات و آشنایی با دنیای کودکان توانسته است با خلق شخصیت‌های داستانی ملموس، اهداف تربیتی خود را به خوبی بیان کند و در ذهن کودک تداعی نماید.

أنا الفأر الذکیُّ أنا / و لستُ أخافُ من هرةٍ / تُحاولُ مرَّةً صیدی / و أخذَها أنا
مرَّةً / تُطارِدُنِي، أطارِدُها / لنا قِصصٌ غریبٌ / نَمُرُّ علی الصِغارِ بها / حکایاتُ،

حکایاتُ / و کم من حیلةٍ نَجَحَتْ / و کم من مَطْلَبٍ خابا / حیاةُ الناسِ نحن و لم /
نکن فی الناسِ أقرابا / حیاةُ الفأرِ و الهرُّ / حوادثُ بینکم تجری (العیسی، ۲۰۰۹:
۶۸-۶۹).

در این قطعه شعری که از زبان موش روایت می‌شود، موش داستان، از گربه نمی‌ترسد و با تکیه بر توان و ذکاوت خود و شجاعتی که به خرج می‌دهد، خود را از دست گربه نجات می‌دهد. موش که در دنیای واقعی همیشه طعمه گربه می‌شود همیشه در ترسی مداوم به سر می‌برد؛ اما سلیمان العیسی در این داستان با تکیه بر نکته‌ای تربیتی بر آن است تا به تقویت جرات و شجاعت در کودک بپردازد.

او ابتدا با آوردن ضمیر «أنا» در آغاز جمله، بر آن است تا توجه کودک را از همان ابتدا، معطوف کلام خود سازد. پس از آن با معرفی کردن ضمیر «أنا» یعنی «الفأر» روح اعتماد به نفس را در جان کودک بدمد. سپس با آوردن صفت «الذکی» بر ترس خویش غلبه نموده و بر توان خود تکیه نماید. ذهن تیز کودک را به دقت هر چه بیشتر وامی‌دارد؛ از این جهت که هر چند، گربه به لحاظ توان و قدرت از موش تواناتر است؛ اما ذکاوت موش سبب می‌شود تا از چنگال گربه رهایی یابد. در ادامه، راوی داستان «الفأر» برای گریز و فرارهای خود و گربه، نمونه‌ای مثل گونه و پندآمیز می‌آورد و در قالب کلام حکیمانه می‌گوید: چه بسیار که انسان از مهلکه‌ای به واسطه چاره‌اندیشی و ذکاوتش نجات یابد و به واسطه این ذکاوت، آن کس که در پی به دام انداختن او بود، ناامید شده و دست خالی برگردد؛ بنابراین با ذکر این داستان بر تجربه کودک و رفتارهای او اثر می‌گذارد. این داستان شعری از طریق خودبازگویی با ضمیر «أنا» از زبان موشی که در برابر خطرهای سینه سپر کرده، روایت شده است. و سلیمان العیسی در قالب داستان شعری به کودک می‌فهماند که زندگی انسان‌ها نیز بدین منوال است و حوادثی که مابین گربه و موش در جریان است در میان انسان‌ها به عینه وجود دارد.

شاعر در ادامه برای تثبیت این مفاهیم در ذهن کودک، از داستان دیگری مدد می‌گیرد:

بَرهومُ کانَ أرنَباً عنیداً / مُشاغِباً، مُشاکِساً، عَرَبیداً / یظُنُّ أَنَّ الارضَ بستانٌ له /
 یفعلُ فیهِ ما یشاءُ فَعَلَهُمْ / لِلأَرْضِ یا بَرهومُ فلاحونا / یسقونَهُمْ جُهْداً و یتعبونا / و
 عمُّ نِبهانِ عصا و ساعِدَ / إذا إعتدی علی حِماه وافیذ / میثک یا بَرهومُ / علی الأذی
 یحومُ / الخسُّ و الخیارُ فی البستانِ / ما کانَ یُفَضَّمُ بالمجانِ / للارضِ یا بَرهومُ
 ذارِعونا / یسقونَهُمْ جُهْداً و یكدحونَهُمْ (همان: ۷۱-۷۰).

سلیمان العیسی در این قطعه شعری، داستان خرگوش لجباز و خرابکاری را بیان می‌کند که مزاحم کشاورزان می‌شود و تمامی زحمات آنها را به هدر می‌هد. او در ابتدای کلام با بیان فعل ماضی «کان» خیال و دقت کودک را در اختیار گرفته و به آن جهت می‌دهد. او در ادامه هدف‌های خویش از این اشعار، در پی پرورش و گسترش توانایی تعبیر و بیان گفتاری و نوشتاری و خلق تصاویر عینی در ذهن کودک از کلماتی چون «شورور، بخیل، تندخو و بداخلاق» استفاده می‌کند. او با در نظر گرفتن نیازها، رغبت‌ها و ویژگی‌های ذهنی کودکان، با دید تیزبین خود، سعی بر آن دارد گنجینه لغوی کودک را غنی‌تر سازد؛ اما در این راستا پا را از دایره واژگان فصیح، فراتر نمی‌نهد. یکی از اهداف سلیمان العیسی کمک به ادراک زبان و ایجاد عادت در استفاده از جملات پیشرفته است که در این قطعه، نمود عینی یافته است. او با گزینش کلمه «یظن» بر آن است که مخاطب به این درک برسد که خرگوش داستان در اشتباه است و با تکرار اسم خرگوش به صورت مکرر، صریحاً او را به خطایش واقف می‌گرداند.

وَك وَک إِسْمی صُوفیا / وَ أَنَا البَطَّةُ ملءَ الدارِ / وَک وَک وَک وَک حُلُو
 صُوتی / حُلُو ریشی وَ المِنقارِ / قالوا عَنی: أَنَا ساذِجَةٌ / أسهلُّ صیداً لِلأشرارِ / حَسْبی
 أَنی أَحسنُ أمُّ / و إذا دَاهَمَنی غَدارُ / لا تَخْلُو الدُّنیا مِن عَوْنِ / مِن نَجَداتِ، مِن
 أخیارِ / قَدْ أَنْقَذَنی الكلبُ صَدیقی / فَله سُکری لیلَ نهارِ (همان: ۷۲-۷۳).

این قطعه شعر، داستان اردکی که نامش صوفیا است را روایت می‌کند، که در آن روباه تلاشش بر آن است تا اردک صوفیا را به چنگ آورد اما مرغابی ساده داستان، با کمک دوستش سگ، از مهلکه نجات می‌یابد. در ابتدای این قطعه شعری شاعر، صدای اردک را تقلید کرده است. سلیمان العیسی به جای آن که اول به معرفی اردک داستان بپردازد، ابتدا صدای آن را می‌آورد تا به کودک فرصت شناخت صدای آن را بدهد و کودک را در امر شناسایی سهیم کند و خشنودی حاصل از شناخت صدای اردک، باعث می‌شود که کودک حس کنجکاوی بیشتری برای درک مفاهیم شعر داشته باشد.

تقلید صداهای طبیعت و حیوانات و آلات و ابزار در قصیده‌های کودکان، از محبوبترین چیزها در نوع خود است (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۵۳-۵۴) که نوعی صمیمت را در شعر جاری می‌کند. شاعر در ادامه شعر خود، با آوردن «و» و ضمیر «أنا» به شعر خود حرکت و استمرار می‌بخشد زیرا او به خوبی می‌داند نغمه‌ها و اشعار کودکان بنا بر روحیه پر جنب و جوش آنها، باید مملو از حرکت و جریان باشد. در ادامه فعل «قالوا» روند حرکت را تداوم می‌بخشد. بیان فعل «قالوا» از زبان اردک داستان، بیانگر آن است که اردک تصورات دیگران را درباره خویش مبنی بر ساده و احق بودنش قبول ندارد. سلیمان العیسی در این داستان، علی‌رغم نقطه ضعف اردک، نقطه قوت او را بزرگ نمایی کرده و بیان می‌کند هر چند که از نظر دیگران من موجود ساده‌ای هستم که شکارش بسیار آسان است، اما همین که بهترین مادر هستم برایم کافی است و اگر دشمنان بر من حمله نمایند دوستانم مرا یاری خواهند کرد و من شب و روز سپاسگزار الطاف آنها هستم. تصاویر این داستان شعری، بسیار شفاف و غیر مرکب است، که با خیال ساده کودک مناسبت دارد و او به راحتی می‌تواند با خیال خویش نتایج و آفاق مباحث این داستان شعری را دریافت کند. کودکانی که در شهرهای بسیار بزرگ و متمدن زندگی می‌کنند دیگر با عوالم طبیعت بیگانه شده‌اند و شاعر با ذکر اصوات و ویژگی‌های اردک داستان،

زمینه این آشنایی را در اشعارش ایجاد می‌کند.

از ویژگی‌های فنی بارز و مهم سلیمان العیسی، موفقیت او در اسلوب داستان شعری است که در این داستان به خوبی توانسته مفهوم کمک به دوستان و قدردانی و سپاس از یاریگران را، بیان کند.

صِغَارُ الْأَرَانِبِ / صِغَارُ الْأَرَانِبِ / عَلَيْنَا مَدَى الْعُمْرِ / حَقٌّ وَ وَاجِبٌ / أَ تَدْرُونَ مَا هُوَ
حَقٌّ عَلَيْنَا / وَ نِعْمَةٌ شُكْرٍ / عَلَى شَفْتَيْنَا؟ / لِفَيْفَى الذَّكِيَّةِ / لِفَيْفَى الْوَفِيَّةِ / يَطِيبُ الشَّنَاءُ
/ وَ يَحْلُو الْغِنَاءُ / لَقَدْ أَنْقَذْتَنَا / لَقَدْ طَوَّقْتَنَا / بَعْدَ النِّجَاهِ / طَوَالَ الْحَيَاةِ / صِغَارُ الْأَرَانِبِ
/ صِغَارُ الْأَرَانِبِ / عَلَيْنَا مَدَى الْعُمْرِ / حَقٌّ وَ وَاجِبٌ (العیسی، ۲۰۰۹: ۷۶).

در این داستان شعری، خرگوش کوچک که در دام افتاده به واسطه همکاری و کمک موشی به نام «فیفی» از دام نجات می‌یابد. از جمله ویژگی‌های شعری سلیمان العیسی آن است که مرحله تربیتی کودک را با مفاهیم والا و الفاظ جذاب و جدید خویش در مرحله تکوینی قرار می‌دهد. مفهوم والای این داستان شعری، همکاری است و از آن جا که همکاری، کلید پیشرفت هر جامعه‌ای به شمار می‌رود، سلیمان العیسی با بیان داستان‌وار این مفهوم، در پی رشد و گسترش میل اجتماعی و همکاری صادقانه و صمیمانه در میان کودکان است که از طریق این داستان، خیر عمومی و کمک به هم نوع را تقویت کرده و دنیای مبتنی بر عشق و عدالت و برابری را به تصویر بکشد. او آگاهانه به ذکر این نکته پرداخته است که حق حیات و داشتن زندگی سالم برای کودکان حقی واجب است که نباید نادیده انگاشته شود.

لَسْنَا شَرِيرِينَ / لَسْنَا شَرِيرِينَ / نَلْهُو، نَلْعَبُ جِنَاءً، لَكِنْ / لَسْنَا شَرِيرِينَ / سَوْسُو وَ
مِيمِي مَا كُنَّا / يَوْمًا إِلَّا فَارِينَ / نَلْهُو، نَلْعَبُ، لَكِنَّا / إِنْ أَخْطَأْنَا عُدْنَا / رَاجِعْنَا أَنْفُسَنَا،
أَصْلَحْنَا / مَا قَدْ أفسَدْنَا / لَسْنَا شَرِيرِينَ مَا نَحْنُ سِوَى فَارِينَ / مَا نَحْنُ سِوَى فَارِينَ
(همان: ۷۷-۷۸).

این قطعه شعری، داستان دو موش شرور، در پی ایجاد نگاهی دیگرگون است

و بر آن است با استمداد از موسیقی و صنعت تکرار به این مقصود خویش دست یابد. در این داستان شعری، دو موش، چهره واقعی خود را معرفی می‌نمایند و برآند، دیدگاه منفی را که در دنیای واقعی نسبت به موش وجود دارد پاک کند. از جمله شروط روحی- روانی و تربیتی که برای شعر کودکان و آوازهایشان وجود دارد تکرار است؛ تکرار بعضی از الفاظ و قطعه‌ها که این امر از امور مورد پسند کودک است چرا که تکرار، حفظ شعر و آواز را برای کودک آسان می‌سازد و فرصت فهم معانی را به او می‌دهد (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۵۳-۵۴).

در این قطعه جمله «لسنا شریرین» پنج بار تکرار شده است که به ازای هر بار تکرار، شاعر قصد ایجاد نگاهی دیگر در کودک دارد.

نقطه قوت دیگر این شعر سلیمان العیسی، موسیقی اوست. موسیقی توان بالایی در جذب روان‌ها و تأثیر نهادن بر احساس دارد. «موسیقی می‌تواند خوش بینی را در درون کودک نهادینه کند و بهجت و سرور را در او برانگیزد. موسیقی شعر، به اسراری که آثار آنها شناخته شده اما اسباب آن، به یقین درک نشده‌اند، نفوذ می‌کند» (داود، ۱۹۹۳: ۹۰-۹۱). سلیمان العیسی با زبان ساده و خالی از واژگان ناآشنا و موسیقی سیال و طنین‌انداز این قطعه، در پی آن است تا با جادوی موسیقی قلب و روح کودک را تسخیر نماید تا مفاهیم اشعارش در جان او جای بگیرند و بدین سان شعرش به یک سمفونی مملو از حرکت مبدل گشته است.

الهِرَّةُ الْمَاكِرَةُ الْعَجْوُزُ / تُرِيدُ أَنْ تَعْبَثَ بِالْجُرْدِ / تُقِيمُ حَفْلًا سَاخِرًا لِلْجُرْدِ / تَدْعُوهُ
لَكِنْ لِلْفَتَاتِ الذِي / يَسْقُطُ مِنْهَا يَا لَه مِنْ كَرَمٍ! / وَ حِينَ أَلْفَى نَفْسَهُ ضُحْكَةً / ثَارَتْ
بِهِ نَخْوَتُهُ فَانْتَقِمَ / الْهِرَّةُ الْمَاكِرَةُ الْعَجْوُزُ / لَأَقْتِ مَصِيرَ الْمَاكِرِ الْخَاتِلِ / وَ الْجُرْدُ
الْأَهْوَجُ مِنْ حُمَقِهِ / مَاتَ بِدَاءِ الشَّرِّهِ الْقَاتِلِ (العیسی، ۲۰۰۹: ۷۹).

شاعر بسیاری از مسائل روز جامعه را به صورت حکایت‌هایی از زبان حیوانات و گیاهان و غیره بیان می‌دارد چرا که استفاده از این سبک و قالب، امکان بیان و نیز

متنوع ساختن آن و ریختن آن در قالب آوایی مناسب را به او می‌دهد. بر این اساس او در این قطعه شعر داستانی، داستان گربه پیر مکاری را به تصویر می‌کشد که در پی دست انداختن و مزاح کردن با موش است به همین خاطر جشن تمسخرآمیزی بر پا کرده و موش را به خرده‌هایی که از دهانش می‌افتد مهمان می‌سازد. این قصه شعری در بردارنده یک پند رفتاری در حیطه ادبیات تهذیبی است و محور اصلی آن تکیه بر عادات نیک و بیزاری از عادات زشت و ناپسند است. سلیمان العیسی با استفاده از تکنیک قصه شعری، در پی راهنمایی اخلاقی کودکان است بدون آن که، آن مفاهیم را به صورت اجباری بیان دارد. و از آن جا که کودک نیازمند آن است که از اندیشه‌ای تحلیل‌گر و انتقادی برخوردار باشد به تجزیه و تحلیل رفتار گربه و علت بروز چنین رفتاری از سوی او می‌پردازد. این داستان فرصتی را فراهم می‌سازد تا کودک از ورای آن با تجارب دیگران آشنا شود و از آنها استفاده نماید و آگاهی‌های فردی‌اش را وسعت بخشد. الفاظ «مکار، کوچک شمارد و به بازی بگیرد، جشن مضحک و مسخره» ذهن کودک را با عادات زشت آشنا و او را وارد جهان مبهم بدی‌ها می‌سازد در ادامه با ذکر جمله تعجب‌آمیز «یا له من کرم!» کودک را به حال خود رها نمی‌سازد بلکه با این جمله او را از نامناسب بودن این زمینه آگاه کرده و می‌رهاند.

نتیجه

در دنیای مدرن امروزی که وسایل الکترونیکی بیشترین بخش زندگی کودک را در بر گرفته و بازی‌های کامپیوتری با مفاهیم نامناسب خویش، بیش از هر زمان دیگری ادبا را به چالش کشانده است تا برای جلوگیری از مضرات این فناوری‌های نوین پادتن‌هایی در قالب اشعار خویش ذکر نموده و روح خسته و بی‌جان کودک را از نو زنده کند. از این رو شاعران به ویژه در جهان عرب در دوره معاصر، تلاش چشمگیری را در حوزه ادبیات کودک و ایجاد فضای ادبی مناسب برای رشد

اجتماعی کودک و ارتقاء سطح تخیلات او داشته‌اند. سلیمان العیسی یکی از شاعران معاصر سوریه است که توجه به ادبیات کودک را یکی از نیازهای اساسی جامعه می‌داند و معتقد است که سعادت و سرانجام یک ملت در دستان کودکان آن سرزمین می‌باشد. از این رو شاعر، با اشعار کودکانه و اتکا به مفاهیم فرهنگی و اجتماعی، قصد دارد رفتارهای کودکان را مطابق ارزش‌ها و قوانین جامعه صیقل دهد به همین خاطر با اسلوب‌ها و مضامین مختلف سعی در آگاه‌سازی و توانمندسازی کودک دارد. او با اعتماد کامل به کودکان، واژگان سخت و فصیح را در اشعار خود آورده تا گنجینه لغوی کودکان، غنی شود و همچنین با اسلوب قصه‌های شعری به بیان مفاهیم تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و ملی و میهنی پرداخته است تا کودک را به سمت و سوی تفکر سوق دهد. وی با مهارتی که در به کارگیری موسیقی اشعار دارد از عبارات کوتاه و آهنگین برای دادن مفاهیم در ذهن کودک که متناسب با روحیات اوست استفاده کرده و به نظر می‌رسد در این مسیر موفق ظاهر شده است.

منابع

- داود، انس، (۱۹۹۳)، *ادب الاطفال فی البدء کانت الانشودة*، دارالمعارف.
- جلالی، مریم، (۱۳۹۴)، «قالب، زبان و مضمون شعری در ادبیات کودک کشور ایران و الجزایر» پژوهشنامه نقد ادب عربی، شماره ۱۰، صص ۵۵-۷۶.
- دیاب، مفتاح محمد، (۱۹۹۵)، *مقدمة فی ثقافة و ادب الاطفال*، مصر- کنادا: الدار الدولية للنشر و التوزیع، ط ۱.
- روؤف، علی، (۱۳۸۷)، *راهنمای نقد کتاب کودک و نوجوان*، تهران: آبیژ.
- شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۷۲)، *ادبیات کودکان*، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- صبیح، ابراهیم، (۲۰۰۱)، *الاطفال فی التراث الشعبي العربي*، عمان: أمانة عمان.
- عبدالفتاح، اسماعیل، (۲۰۰۰)، *ادب الاطفال فی العالم المعاصر*، مكتبة الدار العربية للكتاب.
- عیسی، نزار، (۲۰۰۵)، «التناص فی شعر سلیمان العیسی»، جامعة البعث كلية الاداب و العلوم الانسانية قسم اللغة العربية، رسالة الماجستير.

- عیسی، راشد، (۲۰۰۷)، شعر الاطفال فی الاردن، الاردن: أمانة عمان الكبرى.
- العیسی، سلیمان، (۱۹۹۶)، دیوان الاطفال، دار النهضة.
- _____، (۲۰۰۹)، کم أبقى مع الكلمة اطفال و الشعر و النثر، دمشق: منشورات هیئة العامة السورية للكتاب.
- کینگزبری، ماری، (۱۳۷۲)، نظرگاهی چند بر نقد ادبیات کودکان، ترجمه علی روؤف، تهران: اورامان.
- لوریا، ار، یودوویچ، ف، (۱۳۶۸)، زبان و ذهن کودک، ترجمه بهروز عزب دفتری، تبریز: انتشارات نیما.
- ملکیان، شیما، (۱۳۸۵)، «سیری در ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران»، مجموعه مقالات همایش ادبیات کودکان و نوجوانان، زنجان: دانشگاه آزاد اسلامی.
- موسوی، فاطمه، هادی پور، اصغر، سمندری، (۱۳۸۷)، «سیر ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران»، فصلنامه علمی- ترویجی ادبیات فارسی، سال چهارم، شماره ۱۱ بهار و تابستان، صص ۱۲۴ تا ۱۴۳.
- نظام دوست، اکرم، (۱۳۹۰)، «ادبیات کودک در ادبیات معاصر عربی»، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد.
- یمینی شریف، عباس، (۱۳۷۲)، «شعر کودکان و نوجوانان»، ۱۷ مقاله درباره ادبیات کودکان، تهران: اورامان.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی